

فد



علی حکیمی

ما هم از شما بیزاریم

او را تبدیل به یک «هم از تویره و هم از آخور بخور» تبدیل کرده بودند امروز با انگشت می‌گزند که «... چرا فرهادی چنین کرد؟!»، بلکه این آشی است که آشپزش خود شما هستید! شما می‌کنید که امروز سینمای «تعظیم فرهادی‌ها» را به راه انداخته‌اید و با شعار آزادی بیان و استفاده از همه عقاید اینقدر بادشان کردید که ورم چرکین سینمای امروز را به وجود آورد؛ در عوض چند ده جوان حزب‌اللهی دغدغه‌مند را آنقدر طرد کردید که زیر چرخ‌دنده‌های قدرت طلبی و شهرت‌خواهی امثال شما و فرهادی‌ها له شدند و راهی برای بروز استعدادهایشان نیافتند. طلب‌کاری امروز آقای فرهادی از حاکمیتی که همه چیزش را از آن دارد قطعاً مشمئزکننده است اما بدتر از آن شما می‌کنید که همه‌چیزش را با تولید می‌کنید و سینمای انحصاری ضد حزب‌اللهی را در لباس شعارهای پرزرق و برق آزادی ستروقت کرده‌اید! ما از شما بیزاریم و از تمام کسانی که سینما و فرهنگ را دچار بیماری مزمن سانسور انقلاب کرده‌اند.

را ادامه دهد و از سوئی نیز نمی‌خواست هزینه شنیدن فریاد عصبانیت همان خارج‌نشین‌هایی را متحمل شود که روزی برای آثار او کف و سوت می‌زدند، این شد که دست به یک انتحار زد و خود واقعی‌اش را نشان داد. در این میان انفعال رسانه‌های داخلی نیز شتاب‌دهنده همین روند شد. رسانه‌هایی که از «قهرمان» او

جریان ناپس حزب‌اللهی که خود با برخورد دوگانه با فرهادی او را تبدیل به یک «هم از تویره و هم از آخور بخور» تبدیل کرده بودند امروز با انگشت می‌گزند که «... چرا فرهادی چنین کرد؟!»، بلکه این آشی است که آشپزش خود شما هستید!

که به یقین یک اثر بسیار ضعیف و کم‌مایه، حتی در میان آثار خود فرهادی است، یک قهرمان ساختند و با یک استراتژی تکراری آن را به عنوان نماینده ایران برای اسکار فرستادند! پاسخ فرهادی این بار اما چه بود؟ یک لگد به زیر ظرف غذا زد و یک فحش هم نثارشان کرد و خلاص! جریان ناپس حزب‌اللهی که خود با برخورد دوگانه‌اش با فرهادی

بین‌المللی معرفی می‌شده. چه چیزی از این مطلوب‌تر است برای یک فیلم‌ساز که هم حکومت برایش جوایز بین‌المللی جور کند و هم با حفظ یک ظاهر مخالف، برای او بازار گرمی کند؟ فرهادی نیز منفعت این وضعیت را بهتر از همه درک کرد و همین‌طور که نهاد‌های حاکمیتی را می‌دوشید و بازار مخاطب داخل ایران را برای خودش

حفظ می‌کرد تا به یک فیلم‌ساز در تبعید تبدیل نشود و در همین حال با یک لگد به گاو شیرده نقش یک اپوزوسیون ضدایدئولوژی حاکمیت را برای آن طرف‌آبی‌ها بازی می‌کرد. این وضعیت اما با فشار آن طرف‌آبی‌ها و انفعال تکراری داخلی‌ها برهم خورد. فرهادی که دیگر کم‌کم از مکیدن خون سینمای ایران سیر شده بود نیازی نمی‌دید بخواهد این بازی

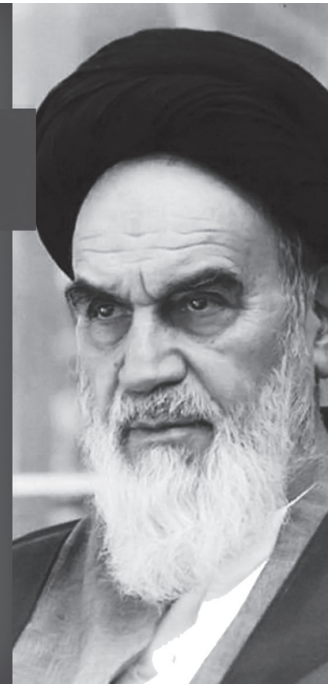
«بهانه‌ی این نوشته اظهار نظر فردی است که او را نمی‌شناسم و من را هم زمان منتسب به حکومت و خارج از کشور کرده است. خیلی صریح و روشن بگویم: من از شما بیزارم!» این بخشی از نوشته اصغر فرهادی است که در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرده است و در آن کسانی که او را به حکومت منتسب کرده‌اند به باد انتقاد گرفته. اصغر فرهادی در این سال‌ها خود را میان دو طرف حفظ کرده بود و هم از تویره می‌خورد، هم از آخور؛ او که شروع فعالیتش در «روزگار جوانی» و «داستان یک شهر» در صداوسیما و همین‌طور در «ارتفاع پست» و در همکاری با ابراهیم حاتمی‌کیا کلید خورده بود، همواره تحت حمایت مدیران دولتی‌ای که فیگور آزادی بیان و جذب حداکثری می‌گیند بوده؛ فیلم‌های او در عین فاصله‌گذاری با حاکمیت، همواره از تمام بهره‌های حاکمیتی استفاده می‌کرده، مانند دیگر فیلم‌ها در سینمای ایران به نمایش در می‌آمده، فروش می‌رفته و از سوی سازمان‌های دولتی برای جشنواره‌های

فد

۹۹ امام خمینی

امام جمعه رابط میان مردم و حاکمیت

منصب امامت جمعه، یعنی منصب تماس روحانیت با ملت، و روحانیت با مجلس و دولت، و این از اموری است که با دست توانای ائمه جمعه انجام می‌گیرد، که امید است هر روز بیشتر و بهتر انجام شود، و جمعیت‌ها بیشتر بیایند، و این سنت حسنه‌ای باشد که برای مردم و آیندگان محفوظ بماند.



صحیفه امام؛ ج ۱۸، ص ۱۹۵

امیر معصوم بیگی

طمع به عروس خاورمیانه

در دودمه‌ها اخیر، عربستان سعودی با پشتیبانی رژیم صهیونیستی و آمریکا، علیه لبنان اقدامات خصمانه‌ای داشته و تلاش کرده تا در راستای توسعه امپراطوری عربی خیالی خود، در امورات داخلی و سیاسی لبنان دخالت کند. سعودی‌ها همواره در لبنان به دنبال تضعیف و خلع سلاح کردن حزب الله لبنان بوده‌اند. اخیراً عربستان سعودی که به دنبال دستاویز و بهانه جدیدی برای ادامه دادن فتنه‌انگیزی‌های خود در لبنان بود در پی مصاحبه جورج قرداحی وزیر رسانه و اطلاع‌رسانی لبنان با شبکه الجزیره تمام واردات خود را از لبنان قطع، سفیر کشورش را از بیروت خارج و سفیر لبنان را نیز از ریاض اخراج کرد. همچنین سعودی‌ها کشورهای امارات و بحرین و کویت را مجاب کردند تا در این کمپین ضد لبنانی شرکت کنند. جورج قرداحی در مصاحبه‌ای با شبکه الجزیره گفته بود: نیروهای ارتش و کمیته‌های مردمی یمن در حال دفاع از خود در برابر اقدامات تجاوزکارانه عربستان و امارات هستند و از ملت ستمدیده و مظلوم یمن دفاع و حمله نظامی ائتلاف عربی-آمریکایی به سرکردگی سعودی و امارات را محکوم نموده بود. نکات قابل توجه این اقدام سعودی‌ها این است که قبل از مصاحبه وزیر لبنانی افرادی مانند آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه آمریکا و آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل متحد در رابطه با جنگ یمن اظهاراتی مشابه داشتند ولی عربستان هیچ واکنشی نشان نداده بود و نکته دیگر این است که این مصاحبه یک ماه قبل از انتصاب جورج قرداحی در پست

وزارت، ضبط شده است ولی زمانی این مصاحبه منتشر شد که بتوانند از آن نهایت استفاده برای ضربه زدن به لبنان را ببرند. حال سوال پیش می‌آید که اهداف عربستان سعودی از این اقدامات ضد لبنانی چیست؟ یکی از اهداف آن‌ها از بین بردن ثبات داخلی و فشار شدید اقتصادی در لبنان است تا بتوانند حزب الله لبنان را مقصر شرایط موجود معرفی کنند و در پی تخریب چهره حزب الله در افکار عمومی، بتوانند نیروهای مقاومت لبنان را منزوی و خلع سلاح کنند. عربستان در لبنان به دنبال تحت فشار قرار دادن دولت نجیب میقاتی است؛ چرا که دولت او، دولت مطلوب سعودی‌ها نیست. قابل ذکر است که عربستان نیم‌نگاهی به انتخابات پارلمانی لبنان که در تاریخ ۲۷ مارس (هفتم فروردین ۱۴۰۱) برگزار می‌شود نیز دارد؛ چرا که با ارسال سوخت از ایران به لبنان و حل بحران سوخت توسط حزب الله، محبوبیت آن‌ها در حال افزایش است و این افزایش محبوبیت تنگ خطری برای سعودی‌هاست. آن‌ها سعی می‌کنند محبوبیت نیروهای سیاسی مقاومت را کم کرده تا احزاب تحت حمایت خود مانند حزب جعجع و جریان ۱۴ مارس راهی پارلمان کنند. یکی از اهداف دیگر آن‌ها بازی کردن در زمین رژیم صهیونیستی



وقتی رسانه‌ها مارا مصرف می‌کنند

تلویزیون را که روشن می‌کنیم بین تبلیغات شلوغ و پر سرو صدا کمی هم برنامه مورد نظرمان را می‌بینیم. از آن جالب‌ترین‌ها که این بخش برنامه هم زیرنویس تبلیغاتی دست از سرمان بر نمی‌دارد. آگهی بازرگانی وسط برنامه هم نیاز به یادآوری ندارد. اگر اهل وب گردی باشید در سایت‌های مختلف خبری، تفریحی و سرگرمی هم تبلیغات زیادی را مشاهده کردید که حتما باید آنها را تا انتها تماشا کنید یا حتما باید روی شان کلیک کنید. تبلیغات صفحات پر مخاطب اینستاگرام هم نیاز به توضیح ندارد. یک سؤال، این همه تبلیغات یعنی چه؟ مافقط رسانه را مصرف نمی‌کنیم، رسانه هم ما را مصرف می‌کند. اکثر مردم متصورند که مصرف کننده رسانه هستند اما اصل ماجرا فراتر است. چگونه رسانه‌های بزرگ مثل اینستاگرام به طور رایگان و با بهترین کیفیت خدمات ارائه می‌دهند؟ حتما رسانه از مخاطبان خود سود برداشت می‌کند اما چگونه؟ اولین پاسخ زمان مخاطب است. حال باید پرسید چگونه رسانه زمان ما را به پول تبدیل می‌کند؟ روش‌هایی مانند تبلیغات یا فروش اطلاعات کاربران به سرویس‌های جاسوسی نزدیک‌ترین پاسخ‌ها هستند. پیچیدگی ماجرا آن جایی است رسانه‌ها فرهنگ مصرف‌گرایی را در جان و تن مخاطب رسوب می‌دهند. فرهنگی که اگر در آن مدل گوشی یا برند لباس مخاطب به روز و جدید نباشد تحقیر شده و خود را عقب مانده از مد و دیگران می‌یابد. البته که این فرهنگ در میان نسل جوان و نوجوان بیشتر است که خود این امر ناشی از ارتباط بیشترین نسل با رسانه‌های جدید است. این رسانه‌ها باور این را که اگر فلان کتاب یا همان کفش یا این بستنی جدید را نخوانده، نداشته و نخورده باشی از رقابت زندگی بی‌نصیب مانده‌ای را به مخاطب خود تحمیل می‌کنند. بدون فرهنگ مصرف‌گرایی این همه کالا رنگارنگ و براق تولید نمی‌شود. وقتی این کالاها تولید نشود کارخانه‌های بزرگ سرمایه‌داران کلان تعطیل شده و سود جیب مبارکشان کم می‌شود. کافی است رسانه‌ها تیرباران تبلیغات مصرفی را متوقف کنند و مخاطب خود را بسته اسکناس نبینند تا مصرف‌گرایی روبه افول برود و صاحبان رسانه و سرمایه‌داران کلان به زانو در بیایند. آری این چنین رسانه ما را مصرف می‌کند. دورانی که تبلیغات صرفاً معرفی کالا بود خیلی وقت است تمام شده!

مسائل کشور، در حوزه‌های مختلف مانند کشاورزی، صنعت، محیط زیست، بانکداری، اقتصاد و... مصداق واقعی هدر دادن منابع علمی است. ظرف شش سال اخیر از جانب ایران سیصد هزار مقاله علمی جدید تولید و در پایگاه WOS ثبت شده است. همچنین بر طبق آمار مرکز آمار کشور، ظرف این مدت دست‌کم هفتصد و ده هزار پروژه پژوهشی اعم از پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی در کشور به ثبت رسیده است. این دستاوردها درخشان محسوب می‌شوند، اما ذهنیت عمومی، دانشگاه،

تا وقتی نگاه به دانشگاه و شیوه مدیریت آن، مسئله محور نباشد، امید به اصلاح نظام آموزش عالی دور از انتظار است.

یعنی نهاد علم و پژوهش را، به کم‌کاری در زمینه حل مسائل و مشکلات گوناگون کشور متهم می‌کند. در واقع اگر مسئله اصلی و چالش‌های حوزه‌های مختلف، به درستی شناسایی شود، و دانشگاه در راستای حل مسائل به آموزش و پژوهش بپردازد، توازن درستی میان خروجی‌های علمی اعم از مقاله و پایان‌نامه و حل معضلات کشور برقرار می‌شود. به عنوان مثال نرخ رشد سالانه مقالات و پژوهش‌های علمی در کشور سنگاپور ۳/۱۴ درصد است. همچنین این کشور از لحاظ شاخص ارتباط صنعت و دانشگاه، در جایگاه ۶ جهان قرار دارد. در صورتی که نرخ رشد سالانه مقالات و پژوهش‌های علمی در ایران ۱۱/۱۸ درصد است اما از لحاظ شاخص ارتباط صنعت و دانشگاه در جایگاه ۱۱۷ جهان قرار داریم. بررسی چنین آماری نشان‌دهنده عدم کاربردی بودن و مسئله‌محور بودن پژوهش‌های دانشگاهی است. تا وقتی نگاه به دانشگاه و شیوه مدیریت آن، مسئله محور نباشد، امید به اصلاح نظام آموزش عالی دور از انتظار است.

زخم کهنه بر جان آموزش عالی

مسئله کاربردی بودن پژوهش یکی از معضلات جدی در بین کارشناسان و دغدغه‌مندان آموزش عالی محسوب می‌شود. اینکه پژوهش‌های انجام‌شده در دانشگاه‌های ایران در راستای حل چالش‌های کشور هستند یا خیر؟ اینکه پایان‌نامه‌ها و مقالات چاپ شده در دانشگاه‌ها، چه میزان در حل مشکلات کشور دخیل هستند؟ اینکه آیا آموزش‌های دانشگاهی کاربردی است یا خیر و اصلاً آموزش کاربردی چیست؟ و ده‌ها علامت سؤال دیگر که هر کدام بسان زخمی بر پیکره نظام بی‌رمق آموزش عالی کشور محسوب می‌شوند و اجازه حرکت را به آن نمی‌دهند. مشکلات و چالش‌های کاربردی نبودن دانشگاه و پژوهش‌های آن فراوان است. فرار مغزها یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی است که معلول کاربردی نبودن پژوهش‌های دانشگاهی است. دانشجویان با استعداد و پرتالاش دانشگاه‌های سطح ۱ کشور (بخوانید شریف و امیرکبیر و تهران و بهشتی و...) بعد از گذراندن حدود ۱۳۰ تا ۱۵۰ واحد کارشناسی و ده‌ها واحد ارشد، در می‌یابند که آموخته‌هایی که در دانشگاه به آن دست یافته، هیچ خریداری ندارد. نتیجه این می‌شود که تفکری غالب در قشر دانشجویی تراز علمی کشور بوجود می‌آید که چرا باید دروسی را فرا بگیریم که در کشور هیچ خریداری برای آن وجود ندارد. این ناامیدی از وضعیت علمی کشور و همچنین ناتوانی در حل مشکلات منجر به این می‌شود که دانشجویان تصمیم به مهاجرت گرفته تا در کشور دیگری و در یک پروژه، ولو کوچک و ساده بیش‌ترین بهره از آموخته‌های دانشگاهی خود را ببرند و در عمل از آن استفاده کنند. از سوی دیگر متوازن نبودن پژوهش‌های انجام شده با



آنچه بر اقتصاد گذشت

تحلیلی بر عملکرد اقتصادی ۱۰۰ روزه دولت سیزدهم

گذشت ۱۰۰ روز از آغاز به کار دولت سیزدهم را می‌توان نقطه ابتدایی بررسی عملکرد و تحقق وعده‌های راهبردی این دولت دانست. بررسی عملکرد اقتصادی دولت‌ها در کوتاه‌مدت (۱۰۰ روز) و تعمیم نتایج به عملکرد پیش‌روی دولت در ۴ سال آینده کاری غیرمنطقی و بیهوده است لکن توجه به روند ۱۰۰ روزه و نحوه ورود دولت‌ها به حل مسائل و مشکلات نمای خوبی از رویکرد آنان به دغدغه‌مندان و کارشناسان خواهد داد. با نگاه به روند تبلیغات انتخاباتی و وعده‌های رئیس‌جمهور منتخب در طی این ۱۰۰ روز شاید بتوان در ۵ موضوع اساسی به دنبال کشف رویکرد دولت سیزدهم در اقتصاد بود: ۱- بازار سرمایه ۲- نظام بودجه‌ریزی در کشور و مسائل و مشکلات مرتبط با آن ۳- تأمین کالاهای اساسی و ساختارهای اصلاح بازار این کالاها ۴- مسکن ۵- دیپلماسی اقتصادی بررسی روند ۱۰۰ روزه دولت سیزدهم نشان از تمایز جدی در مدل مدیریتی نسبت به دولت قبل دارد. حضور مسئولین عالی‌رتبه قوه مجریه در بین مردم و شنیدن درد دل‌ها و معضلات کشورهای مختلف مردم به صورت مستقیم در مقابل رویکردی که مشکلات را از نمایش‌گر دفتر و یا پشت شیشه‌های دودی ماشین‌های در حال حرکت خود می‌دیدند قابل تقدیر است. البته باید توجه داشت، تا آنجایی این امر شایسته تحسین است که حضور در این جمع‌ها همراه با عایدی قابل ملاحظه‌ای برای اصلاح روند معیوب اقتصادی در جهت پیشرفت و آبادانی کشور و افزایش سطح رفاه مردم باشد. نه اینکه رهنز طریقی در جهت به حاشیه راندن اصلاحات بنیادین نظام اقتصادی کشور باشد. شاید بتوان مشهودترین ضعف دولت سیزدهم در مواجهه با مشکلات عدیده اقتصادی را ترکیب نامتوازن تیم اقتصادی دولت و وجود جایگاه‌های مختلف اقتصادی و در نگاه اول با رویکردهای متفاوت در این تیم دانست. در این مدت کوتاه با نگاه دقیق به تصمیمات مختلف این مهره‌های اقتصادی می‌توان تناقضات زیادی را مشاهده کرد مثلاً

موضوع صریح وزیر محترم اقتصاد مبنی بر ضرورت حذف قیمت‌گذاری دستوری در اقتصاد و همچنین رویکرد مشابه رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار مبنی بر حذف قیمت‌گذاری در این بازار که موردی مهری سایروزار تخته‌های مربوطه و مسئولین تیم اقتصادی دولت قرار گرفته که به خوبی می‌توان در مواردی چون قیمت کالاهای

توجه به این اصلاحات در همان روزهای اول شروع به کار دولت و انتشار خبرهای امیدوارکننده از سوی متصدیان امر مایه مباحثات و خرسندی است لکن نبود برنامه مشهود برای ارتقارزش پول ملی، کنترل نقدینگی و هدایت سرمایه به تولید، اصلاح وضعیت نظام بانکداری در کشور و... در مقام عمل نیز از نقاط تاریک عملکرد این ۱۰۰ روز می‌باشد. بازار مسکن به عنوان یکی از بازارهای پیش‌رو اصلی و اثرگذار بر وضعیت رفاهی

بررسی عملکرد اقتصادی دولت‌ها در کوتاه‌مدت (۱۰۰ روز) و تعمیم نتایج به عملکرد پیش‌روی دولت در ۴ سال آینده کاری غیرمنطقی و بیهوده است لکن توجه به روند ۱۰۰ روزه و نحوه ورود دولت‌ها به حل مسائل و مشکلات نمای خوبی از رویکرد آنان به دغدغه‌مندان و کارشناسان خواهد داد.

جامعه نیز از روزهای ابتدایی ورود به عرصه انتخابات مورد توجه رئیس‌جمهور محترم و بدنه اجرایی کشور بوده است. ایجاد

اساسی چون مرغ و لبنیات و انتشار لیست اقلام به همراه قیمت کالاهای اساسی و همچنین قیمت‌گذاری خودرو رفتارهای متناقض مسئولین امر را مشاهده کرد. از طرفی توجه به بازار سرمایه که به عنوان یکی از وعده‌های اساسی دولت سیزدهم در طی این ایام بوده در حد بیان وعده‌ها باقی مانده و تاکنون برنامه منسجم و مدونی برای اصلاح وضعیت بازار سرمایه و بهبود مستمر وضعیت سهام‌داران در جهت برگرداندن اعتماد مردم به این بازار ارائه نشده است. اما در نگاهی دیگر پیش‌گامی وزارت اقتصاد در اجرای وعده شفافیت و انتشار صورت‌های مالی بانک ملی در کنار اعلام تأمین بودجه بدون استقراض از بانک مرکزی و فروش اوراق بدهی در دو ماه شهریور و مهر و ابلاغ آیین‌نامه قانون مالیات بر خانه‌های خالی از سوی سازمان مالیات بر به عنوان گام‌های نخست در اصلاح وضع موجود شایسته تقدیر بوده است. در زمینه تأمین کالاهای اساسی اگرچه خبرهای امیدوارکننده‌ای از ذخایر کالاهای اساسی مورد نیاز کشور در همین مدت کوتاه و ایجاد بسترهای جدیدی برای واردات کالاهای اساسی چون گندم به گوش می‌رسد لکن وجود امواج تورمی در بازار کالای اساسی متکی به واردات نهاده‌ها از خارج کشور نظیر مرغ، تخم مرغ، برنج، لبنیات و... ابهاماتی را در ذهن مصرف‌کنندگان داخلی ایجاد کرده است. اصلاح نظام بودجه‌ریزی به عنوان یکی دیگر از وعده‌های دولت سیزدهم بوده که

بستر مناسب برای اجرای نهضت ساخت مسکن در همین مدت کوتاه از اقدامات قابل تحسین دولت سیزدهم است. اما وجود ابهامات جدی در ساختارهای تأمین مالی این طرح نظیر هدایت ۲۰ درصدی تسهیلات بانکی به بازار مسکن و اعطای وام با بازپرداخت بالا به جهت افزایش قدرت خرید دهک‌های پایین جامعه، لزوم تبیین دقیق این طرح عظیم برای مردم جامعه را ایجاد می‌کند. در حوزه دیپلماسی تغییر رویکرد از غرب به شرق و توجه به بسترهای اقتصادی کشورهای همسایه و عدم انحصار در نگاه به غرب از جمله اقدامات اصلی قابل تحسین دولت سیزدهم بوده است. در پایان باید گفت که اگرچه نقاط مهم زیادی در ۱۰۰ روز ابتدایی اجرای برنامه دولت سیزدهم وجود دارد ولی باید دید که دولت در ادامه مسیر چه برنامه‌ریزی‌هایی برای بهبود وضعیت اقتصاد دارد.



فتح؛ نشریه گفتمان انقلاب اسلامی

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)

شناسنامه فتح ۲۱۲

مدیرمسئول: علی راستی
سرمدبین: علی حکیمی
دبیر هیئت تحریریه: محمد بوالحق
جانشین مدیرمسئول: پوریا عصار
جانشین سردبین: محمد مهدی محمدزاده
مسئول فضای مجازی: احمد رضا حبیبی

دبیر سرویس‌ها

دبیر فرهنگی: مهدی مولی داد
دبیر تاریخی: ابوالفضل کشتکار
دبیر سیاسی: محمد جواد مولوی
دبیر حقوقی: محمد رضائی جوزانی

درگاه‌های ارتباطی فتح

FathISU_IR



FathISU_IR

صفحه اینستاگرام

BasijISU.ir

نسخه دیجیتال فتح را

با اسکن این کد دریافت کنید

